

بررسی پیامدهای حاصل از مدرسه تراز با رویکرد سند تحول بنیادین

محبوبه سبحانی^۱، حسن شهرکی پور^۲، اصغر شریفی^۳

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۳

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی پیامدهای حاصل از مدرسه تراز با رویکرد سند تحول بنیادین بود.


روش‌شناسی: پژوهش حاضر ترکیبی (کیفی و کمی) بود. جامعه بخش کیفی مدیران، مسئولان و خیرگان آموزش و پرورش و مدارس پیشرو مانند صالح، پژوهش و سبز شهر تهران بودند که طبق اصل اشباع نظری تعداد ۲۰ از آنها با روش نمونه‌گیری هدفمند به‌عنوان نمونه انتخاب شد. جامعه بخش کمی مدیران و معاونان مدارس متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۴۰۰ بودند که طبق فرمول کوکران تعداد ۲۹۱ از آنها با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به‌عنوان نمونه انتخاب شد. ابزار پژوهش در بخش کیفی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود که روایی آن با روش مثلث‌سازی تایید و پایایی آن با روش ضریب توافق بین دو کدگذار ۰/۸۶ بدست آمد. همچنین، ابزار پژوهش در بخش کمی پرسشنامه محقق‌ساخته بود که روایی محتوایی آن با نظر متخصصان تایید و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۷ بدست آمد. داده‌ها با روش‌های کدگذاری در نرم‌افزار MAXQDA و تحلیل عاملی اکتشافی در نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند.


یافته‌ها: نتایج کدگذاری نشان داد که پیامدهای حاصل از مدرسه تراز با رویکرد سند تحول بنیادین دارای ۳۱ شاخص در دو بعد مدرسه توانمندساز (با سه مولفه آموزش موثر، فرهنگ کارآمد و نظام پایش) و یادگیری خودراهبر (با دو مولفه آگاهی و راهبردهای یادگیری) بود. همچنین، نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نیز حاکی از بار عاملی بالاتر از ۰/۴۰ برای همه گویه‌ها و وجود دو بعد و پنج مولفه مذکور بود. علاوه بر آن، مدل برازش مناسبی داشت و همه گویه‌ها بر مولفه‌های مربوطه اثر معناداری داشتند ($P < 0/05$).


بحث و نتیجه‌گیری: طبق نتایج بدست آمده، برای بهبود وضعیت مدارس و ارتقای مدارس تراز می‌توان از طریق بهبود مدرسه توانمندساز و یادگیری خودراهبر با توجه به مولفه‌های شناسایی شده برای آنها اقدام کرد.

واژگان کلیدی: مدرسه تراز، سند تحول بنیادین، مدرسه توانمندساز، یادگیری خودراهبر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. 

^۲ دانشیار رشته مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران (نویسنده مسئول). 

^۳ استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران. 

نظام آموزشی کشور ایران در چند دهه گذشته علی‌رغم تلاش‌های بسیار مسئولین و دست‌اندرکاران نظام آموزش و پرورش با چالش‌های جدی روبرو بوده است و برای برطرف کردن این چالش‌ها و با توجه به تاکیدهای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) پیرامون ایجاد تحول بنیادین در نظام آموزشی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در شش زیرنظام راهبری و مدیریت، برنامه‌درسی، تربیت معلم و تأمین منابع انسانی، تأمین و تخصصی منابع مالی، تأمین فضا، تجهیزات و فناوری و پژوهش و ارزشیابی تدوین شد (Mohammadi, et al, 2020). مدرسه مکانی امن و غنی‌شده با برنامه‌های آموزشی و پرورشی برای همه دانش‌آموزان است که نقش مهمی در ارتقای دانش و مهارت دانش‌آموزان و ایجاد آمادگی در آنها متناسب با انتظارات حال و آینده جامعه دارد. مدارس امروزی به دنبال تغییر بنیادی در خود برای پاسخگویی به نیازهای جدید دانش‌آموزان قرن بیست و یکم هستند و این امر ضرورت تجدیدنظر جدی در آموزش، یاددهی، یادگیری، محیط، فناوری، تجهیزات، امکانات و غیره را بیش از پیش نمایان ساخته است (Bano, et al, 2018). از زمان ایجاد مدارس به‌عنوان سازمانی رسمی برای آموزش، تربیت و یادگیری، مدارس با اهداف و ویژگی‌های متنوعی ایجاد شدند که از جمله دلایل تغییر اهداف می‌توان به نیازهای جامعه و تعاریف حکومت‌ها از مدارس اشاره کرد که این امر نشان می‌دهد مدرسه به‌عنوان سازمان اثرگذار در جامعه نقش مهمی دارد. بنابراین، اهمیت مدرسه به‌عنوان سازمان تربیت‌کننده نیروی انسانی به مرور برای کار فراتر رفته و به محلی برای تحول جامعه در ابعاد مختلف تبدیل شده است (Baradaran & Sadat Nayeripour, 2020). اهداف مدرسه بازتابی از انتظارات جامعه است و هر جامعه‌ای دارای اهداف مشخصی برای نظام آموزش و پرورش خود دارد که از طریق مدارس و کلاس درس تحقق می‌یابد. اهداف مدرسه بر مبنای ارزش‌های حاکم بر جامعه تعیین و مدرسه به سوی تربیت شهروند ایده‌آل و مناسب سوق داده می‌شود. بنابراین، مدرسه به‌عنوان عنصری از آموزش و پرورش در جوامع امروزی کلیدی‌ترین نهاد آموزشی در تربیت شهروندی است. چون که با کمک آموزش‌های مدرسه‌ای شاکله شخصیتی و رفتاری دانش‌آموزان شکل می‌گیرد (Corral-Abos, et al, 2021).

فرایند آموزش، یادگیری و پرورش امری زمان‌بر و دیربازده بوده که در طولانی‌مدت به بار می‌نشیند و مخاطبان نهاد آموزش و پرورش، کودکان و نوجوانانی هستند که آنچه را امروز فرامی‌گیرند فردا در رفتار و افکار خود متجلی می‌سازند. در نتیجه فعل و انفعال‌های آموزشی و تربیتی امروز بر چگونگی شکل‌گیری فرادهای دور و نزدیک تاثیر می‌گذارد و به همین دلایل امروزه نهادهای آموزشی در اکثر کشورهای جهان با مساله تدوین و اجرا برنامه‌های راهبردی تحول‌آفرین مواجه است و تغییر و تحول در ساختار، اهداف، برنامه‌ها و روش‌های آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (Bazrafshan Moghadam, Shoghi & Rahmankhah, 2016). امروزه دیگر با مدارس سنتی نمی‌توان دانش‌آموزان را برای زندگی در آینده آماده نمود و برای داشتن دانش‌آموختگانی دانا، توانا و متعهد نیازمند تحول در تمامی عرصه‌های آموزش و پرورش و بازتعریف و تحول اساسی در تعریف مدارس و اهداف و اصول آن است (Tokarev, et al, 2021). در قرن بیست و یکم جنبشی نوآورانه در آموزش و پرورش و مدارس بوجود آمده که حامیان آن ضمن ضروری دانستن کسب دانش و مهارت‌های جدید و پرورش قوای فهم، ادراک و خلق بر پژوهش تاکید کرده و آن را پایه و اساس مدارس نوین و به‌روز می‌پندارند (Guerra, Da Silveira & Salvador, 2016). طبق نظر اندیشمندان در دهه‌های اخیر علاوه بر مشکلات ناشی از افزایش هزینه‌ها و کاهش کیفیت بوجود آمده ناشی از آن، سه نیاز اساسی در میان سایر نیازها مهم‌تر است که شامل توجه بیشتر به کیفیت آموزش و پرورش، صرف منابع مالی بیشتر برای تولید مواد آموزشی مناسب و تربیت معلمان صالح و توانا و بهبود و اصلاح مدیریت و امور اداری و پشتیبانی علمی و معنوی از نظام آموزش و پرورش می‌باشند (Cheng & Yau, 2011). هدف همه نظام‌های آموزشی برپاکردن مدارس خوب و با کیفیت است و مدارس به‌عنوان پایدارترین شکل نهاد یا سازمان آموزش و پرورش همواره در معرض پرسش‌هایی در قبال کیفیت خود و راهکارهایی برای ارتقای آنها هستند (Goel & Husain, 2018).

سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران یکی از اسناد معتبر در نظام جمهوری اسلامی ایران است که در مهر ماه سال ۱۳۹۰ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب و در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۲۲ توسط رئیس‌جمهور وقت رونمایی شد و در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱ برای اجرا به آموزش و پرورش ابلاغ گردید (Mahdavi Hezaveh, Maleki,)

(Mehrmohammadi & Abbaspour, 2017). در سند تحول بنیادین، مدرسه رکن اصلی نظام آموزشی و جلوه‌ای از تحقق مراتب حیات طیبه، کانون عرضه خدمات و فرصت‌های تعلیمی و تربیتی، زمینه‌ساز درک و اصلاح موقعیت توسط دانش‌آموزان و تکوین و تعالی پیوسته هویت آنان بر اساس نظام معیار اسلامی است. در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، مدرسه محلی مناسب برای عرضه بایدها و نبایدهای نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی برای دانش‌آموزان و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و ملی محسوب می‌شود و در این مدرسه معلم همان هدایت‌کننده و اسوه امین و بصیر در زمینه‌های اعتقادی، عبادی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و موثرترین عنصر در تحقق اهداف و مأموریت‌ها نظام آموزش و پرورش می‌باشد (Hajibabayi, 2012).

با اینکه پژوهش‌های اندک و پراکنده‌ای درباره برخی مدارس پیشرو مانند مدارس سبز یا صالح انجام شده، اما پژوهشی درباره مدرسه تراز یافت نشد و پژوهشی به بررسی آن با رویکرد سند تحول بنیادین نپرداخته است. برای مثال Eslamieh, Oladian & Safari (2020) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که الگوی مفهومی مدارس سبز در ایران دارای ۳ بعد، ۹ مولفه و ۳۰ شاخص بود؛ به طوری که بعد درون‌داد شامل دو مولفه طراحی و معماری و کیفیت محیطی مدرسه، بعد فرایند شامل چهار مولفه آموزش پایدار، مشارکت مدرسه با محیط‌زیست، استفاده از فناوری در مدیریت مصرف انرژی و بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدپذیر و بعد برون‌داد شامل سه مولفه اصلاح الگوی مصرف‌گرایی، مدیریت پسماند و خرید سبز و شهروند دوستدار محیط‌زیست بود. در پژوهشی دیگر درباره الگوی شایستگی‌های مورد انتظار برای دانش‌آموزان و دلالت‌های آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش Ra'ouf Malaayeri, et al (2019) به این نتیجه رسیدند که الگوی مذکور دارای ۲۲ طبقه فرعی و ۵ طبقه اصلی شامل حیطة بینش و تربیت دینی، هویت و کرامت انسانی، سلامت جسمی- روانی، توانمندی‌ها و مهارت‌ها و اخلاق و عمل بود. نتایج پژوهش Pahang, Mahdioun & Yarigholi (2017) نشان داد که عوامل موثر بر کیفیت مدارس شامل ۱۰ مقوله اصلی عوامل محیطی، ویژگی‌های معلم، امکانات و تجهیزات، مدیر مدرسه، ویژگی‌های دانش‌آموز، روابط انسانی، خانواده، اهداف آموزشی و محتوی تدریس، منابع و روش تدریس بودند. Hajibabayi (2012) ضمن پژوهشی درباره مدرسه‌ای که دوست دارم به این نتیجه رسیدند که این مدرسه دارای چهار ارکان تربیتی شامل جامعه، نهادها و سازمان‌های غیردولتی، دولت اسلامی یا حاکمیت و رسانه، دارای چهار ارکان مدرسه‌ای شامل دانش‌آموز، مدیر، معلم و برنامه درسی و آموزشی و دارای شش مولفه مهم شامل نیروی انسانی با انگیزه، فضای با نشاط، برنامه‌های درسی مناسب، فرهنگ سازمانی قوی، تجهیزات و فناوری مناسب و مدیریت و رهبری آموزشی بود.

مهم‌ترین مسائل آموزش و پرورش شامل نداشتن سیاست‌های اصولی برای حفظ، نگهداری و ارتقای کیفی و شغلی نیروی انسانی، تمرکز اداری قابل توجه و تنگناهای اداری، عدم ارائه آموزش‌های ضمن خدمت با کیفیت مطلوب، بی‌توجهی به سبک یادگیری و ویژگی‌ها شخصیتی شاگردان، یکسان بودن روش‌ها و امکانات آموزش با نیازهای اقتصادی- اجتماعی جامعه، غیراستاندارد بودن فضای آموزشی، عدم استفاده پیوسته و پویا از وسایل کمک آموزشی، عدم تحقق هدف‌ها و مأموریت‌ها، دشوار شدن برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی به علت رشد متناسب منابع با نیازهای کمی و کیفی آموزش و پرورش، ضعف توان علمی و تخصصی معلمان و فقدان آموزش‌های تخصصی و دستمزد، نبود شبکه تبادلات علمی تخصصی و کم‌توجهی به قلمرو حرفه‌ای- تخصصی مدیریت و رهبری آموزشی و غیره هستند که همه این مسائل افراد را به فکر فرو می‌برند که دلیل آن چیست (Pahang et al, 2017) و از دلایل مهم آن می‌توان به کیفیت مدارس و عدم وجود مدرسه تراز اشاره کرد. از آنجایی که سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران به مثابه قانون اساسی برای تحول‌های همه‌جانبه و بلندمدت به تصویب رسیده و در دستور کار وزارت آموزش و پرورش قرار گرفته و کلیه برنامه‌ریزی‌ها در این نظام آموزشی با محوریت آن صورت می‌پذیرد، لذا بررسی پیامدهای حاصل از مدرسه تراز بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ضروری به نظر می‌رسد. در نتیجه، هدف پژوهش حاضر بررسی پیامدهای حاصل از مدرسه تراز با رویکرد سند تحول بنیادین بود.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر ترکیبی (کیفی و کمی) بود. جامعه بخش کیفی مدیران، مسئولان و خبرگان آموزش و پرورش و مدارس پیشرو مانند صالح، پژوهش و سبز شهر تهران بودند که طبق اصل اشباع نظری تعداد ۲۰ از آنها با روش نمونه‌گیری هدفمند به‌عنوان نمونه انتخاب شد. در این روش نمونه‌گیری پژوهشگر با توجه به شناختی از نمونه‌ها دارد تعدادی را با توجه به شرایط مورد نظر انتخاب می‌کند که این شرایط شامل حداقل تحصیلات دکتری و داشتن شغل اجرایی و آموزشی در زمینه ارتقای سطح مدرسه در زمان حال یا گذشته بود. همچنین، جامعه بخش کمی مدیران و معاونان مدارس متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۴۰۰-۱۳۹۹ بودند که طبق فرمول کوکران تعداد ۲۹۱ از آنها با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به‌عنوان نمونه انتخاب شد. در این روش نمونه‌گیری ابتدا شهر تهران به پنج بخش شمالی، جنوبی، شرقی، غربی و مرکزی تقسیم و سپس سه بخش به روش تصادفی ساده انتخاب و سپس از هر بخش تعدادی مدرسه به روش تصادفی ساده انتخاب و مدیران و معاونان آنها به‌عنوان نمونه انتخاب شدند.

روند اجرای پژوهش به این صورت بود که پس از مطالعه مبانی نظری و با کمک اساتید تعدادی سوال جهت مصاحبه با مدیران، مسئولان و خبرگان طراحی و سپس اقدام به نمونه‌گیری در بخش کیفی شد. برای نمونه‌ها اهمیت پژوهش و رعایت نکات اخلاقی و ضبط صدای مصاحبه‌ها بیان و موافقت آنها جهت مصاحبه اخذ شد. سپس مصاحبه‌ها انجام و بر اساس مبانی نظری و مصاحبه‌ها، پرسشنامه‌ای طراحی شد. در مرحله بعد اقدام به نمونه‌گیری در بخش کمی شد و برای نمونه‌های بخش کمی نیز اهمیت پژوهش و رعایت نکات اخلاقی بیان و موافقت آنها جهت تکمیل پرسشنامه اخذ شد. برای نمونه‌های بخش کمی بیان شد که هیچ پاسخ صحیح یا غلطی وجود ندارد و بهترین پاسخ، پاسخی است که گویای وضعیت واقعی موجود باشد. در پایان مصاحبه از مصاحبه‌شوندگان و در پایان تکمیل شدن پرسشنامه از نمونه‌های بخش کمی تشکر و قدردانی شد و داده‌ها هر دو بخش جهت ورود به نرم‌افزار مناسب مورد بررسی قرار گرفتند.

ابزار پژوهش در بخش کیفی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود که برای آن پنج سوال اصلی و تعدادی سوال فرعی بر اساس مبانی نظری و با کمک اساتید طراحی شده بود. مصاحبه‌ها به‌صورت انفرادی انجام که میانگین مدت زمان مصاحبه با هر یک فرد حدود ۴۵ دقیقه بود. روایی مصاحبه‌ها با روش مثلث‌سازی تایید و پایایی آن با روش ضریب توافق بین دو کدگذار ۰/۸۶ بدست آمد. همچنین، ابزار پژوهش در بخش کمی پرسشنامه محقق‌ساخته با ۳۱ گویه بود که هر گویه با استفاده از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از یک الی پنج نمره‌گذاری می‌شد. نمره کل ابزار با میانگین نمره همه گویه و نمره هر بعد یا هر مولفه از طریق میانگین نمره‌های سازنده آن بدست می‌آمد. روایی سازه ابزار با روش تحلیل عاملی اکتشافی بررسی که نتایج آن در بخش یافته‌ها گزارش شد، اما روایی محتوایی آن با نظر متخصصان تایید و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۷ بدست آمد. داده‌ها با روش‌های کدگذاری باز، محوری و انتخابی در نرم‌افزار MAXQDA و تحلیل عاملی اکتشافی در نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند.

یافته‌ها

نمونه‌های بخش کیفی ۲۰ نفر بودند؛ به‌طوری‌که همگی تحصیلات دکتری داشتند و جنسیت ۷۵ درصد مرد (۱۵ نفر) و ۲۵ درصد زن (۵ نفر) بود. همچنین، نمونه‌های بخش کمی ۲۹۱ نفر بودند؛ به‌طوری‌که تحصیلات ۵۹/۷۹ درصد کارشناسی (۱۷۴ نفر)، ۳۰/۵۹ درصد کارشناسی ارشد (۸۹ نفر) و ۹/۶۲ درصد دکتری (۲۸ نفر) و جنسیت ۴۲/۹۶ درصد مرد (۱۲۵ نفر) و ۵۶/۰۴ درصد زن (۱۶۶ نفر) بود. نتایج کدگذاری باز، محوری و انتخابی برای بررسی پیامدهای حاصل از مدرسه تراز با رویکرد سند تحول بنیادین در جدول ۱ ارائه شد.

جدول ۱. نتایج کدگذاری برای بررسی پیامدهای حاصل از مدرسه تراز با رویکرد سند تحول بنیادین

ابعاد	مولفه‌ها	شاخص‌ها
مدرسه	آموزش موثر	۱. توجه به پرورش در کنار آموزش، ۲. شفافیت در ارائه مطالب درسی، ۳. مشارکت اجتماعی، ۴. شناخت محیطی،
توانمندساز		۵. ایجاد دانش بومی، ۶. تسلط بر فناوری‌های روز، ۷. مهارت محوری، ۸. تعهد، ۹. ارزیابی موثر
فرهنگ کارآمد		۱۰. توجه به ارزش‌های اخلاقی، ۱۱. توجه به ارزش‌های اجتماعی، ۱۲. پاسداشت خانواده به‌عنوان اولین نهاد اجتماعی، ۱۳. ارتقای فرهنگ مشارکت و پژوهش

نظام پایش	۱۴. کنترل مداوم، ۱۵. ارزیابی بر اساس سند تحول و استانداردهای ملی، ۱۶. ارزیابی بر اساس عملکرد، ۱۷. پایش بر مبنای فناوری اطلاعات، ۱۸. تأمین زیرساخت‌های آموزشی، ۱۹. تأمین زیرساخت‌های فنی
یادگیری خودراهبر	۲۰. توانایی تشخیص نیازهای آموزشی، ۲۱. توانایی شناخت، ۲۲. توانایی فراشناخت، ۲۳. اطلاع کامل از نظام آموزشی، ۲۴. اطلاع از محیط آموزشی، ۲۵. اطلاع از کارکردهای سند تحول بنیادین
راهبردهای یادگیری	۲۶. توجه به روش‌های یادگیری نوین، ۲۷. خلق روش‌های یادگیری بر اساس دانش بومی، ۲۸. نوآوری در روش‌های تدریس، ۲۹. استفاده از فناوری در یادگیری، ۳۰. یادگیری مشارکتی و ۳۱. پذیرش مسئولیت یادگیری

نتایج کدگذاری باز، محوری و انتخابی نشان داد که پیامدهای حاصل از مدرسه تراز با رویکرد سند تحول بنیادین دارای ۳۱ شاخص در دو بعد مدرسه توانمندساز (با سه مولفه آموزش موثر، فرهنگ کارآمد و نظام پایش) و یادگیری خودراهبر (با دو مولفه آگاهی و راهبردهای یادگیری) داشت (جدول ۱). نتایج تحلیل عاملی برای پیامدهای حاصل از مدرسه تراز با رویکرد سند تحول بنیادین در جدول ۲ ارائه شد.

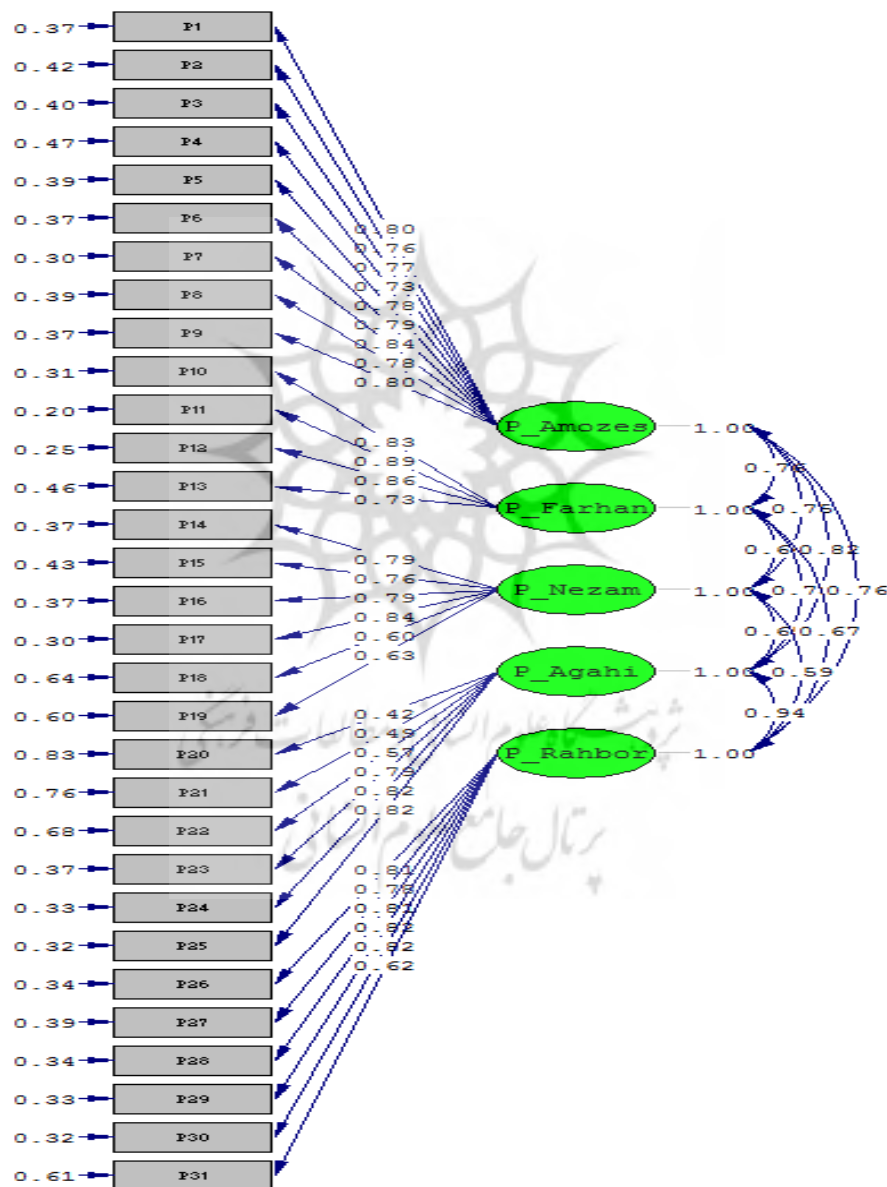
جدول ۲. نتایج تحلیل عاملی برای پیامدهای حاصل از مدرسه تراز با رویکرد سند تحول بنیادین

ابعاد	مولفه‌ها (تعداد گویه)	شماره گویه	بار عاملی	مقدار t	نتیجه
مدرسه توانمندساز	آموزش موثر (۹ گویه)	گویه ۱	۰/۸۰	۱۹/۱۷	رد نشد
		گویه ۲	۰/۷۶	۱۷/۹۸	رد نشد
		گویه ۳	۰/۷۷	۱۸/۳۵	رد نشد
		گویه ۴	۰/۷۳	۱۶/۹۰	رد نشد
		گویه ۵	۰/۷۸	۱۸/۵۷	رد نشد
		گویه ۶	۰/۷۹	۱۹/۰۱	رد نشد
		گویه ۷	۰/۸۴	۲۰/۷۱	رد نشد
		گویه ۸	۰/۷۸	۱۸/۶۷	رد نشد
		گویه ۹	۰/۸۰	۱۹/۱۸	رد نشد
	فرهنگ کارآمد (۴ گویه)	گویه ۱۰	۰/۸۳	۲۰/۲۱	رد نشد
		گویه ۱۱	۰/۸۹	۲۲/۷۹	رد نشد
		گویه ۱۲	۰/۸۶	۲۱/۵۴	رد نشد
		گویه ۱۳	۰/۷۳	۱۶/۸۵	رد نشد
		گویه ۱۴	۰/۷۹	۱۸/۷۲	رد نشد
		گویه ۱۵	۰/۷۶	۱۷/۴۷	رد نشد
		گویه ۱۶	۰/۷۹	۱۸/۶۶	رد نشد
		گویه ۱۷	۰/۸۴	۲۰/۳۷	رد نشد
یادگیری خودراهبر	نظام پایش (۶ گویه)	گویه ۱۸	۰/۶۰	۱۲/۸۹	رد نشد
		گویه ۱۹	۰/۶۳	۱۳/۷۹	رد نشد
		گویه ۲۰	۰/۴۲	۸/۵۸	رد نشد
		گویه ۲۱	۰/۴۹	۱۰/۳۲	رد نشد
		گویه ۲۲	۰/۵۷	۱۲/۱۴	رد نشد
		گویه ۲۳	۰/۷۹	۱۸/۸۶	رد نشد
	راهبردهای یادگیری (۶ گویه)	گویه ۲۴	۰/۸۲	۱۹/۷۹	رد نشد
		گویه ۲۵	۰/۸۲	۲۰/۰۸	رد نشد
		گویه ۲۶	۰/۸۱	۱۹/۷۱	رد نشد
		گویه ۲۷	۰/۷۸	۱۸/۵۴	رد نشد
		گویه ۲۸	۰/۸۱	۱۹/۷۱	رد نشد
		گویه ۲۹	۰/۸۲	۱۹/۸۴	رد نشد
		گویه ۳۰	۰/۸۲	۲۰/۱۰	رد نشد
		گویه ۳۱	۰/۶۲	۱۳/۶۳	رد نشد

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نیز حاکی از بار عاملی بالاتر از ۰/۴۰ برای همه گویه‌ها و وجود دو بعد و پنج مولفه آموزش موثر، فرهنگ کارآمد، نظام پایش، آگاهی و راهبردهای یادگیری در دو بعد مدرسه توانمندساز و یادگیری خودراهبر بود (جدول ۲). نتایج شاخص‌های برازش مدل پیامدهای حاصل از مدرسه تراز با رویکرد سند تحول بنیادین در جدول ۳ ارائه شد. جدول ۳. نتایج شاخص‌های برازش مدل پیامدهای حاصل از مدرسه تراز با رویکرد سند تحول بنیادین

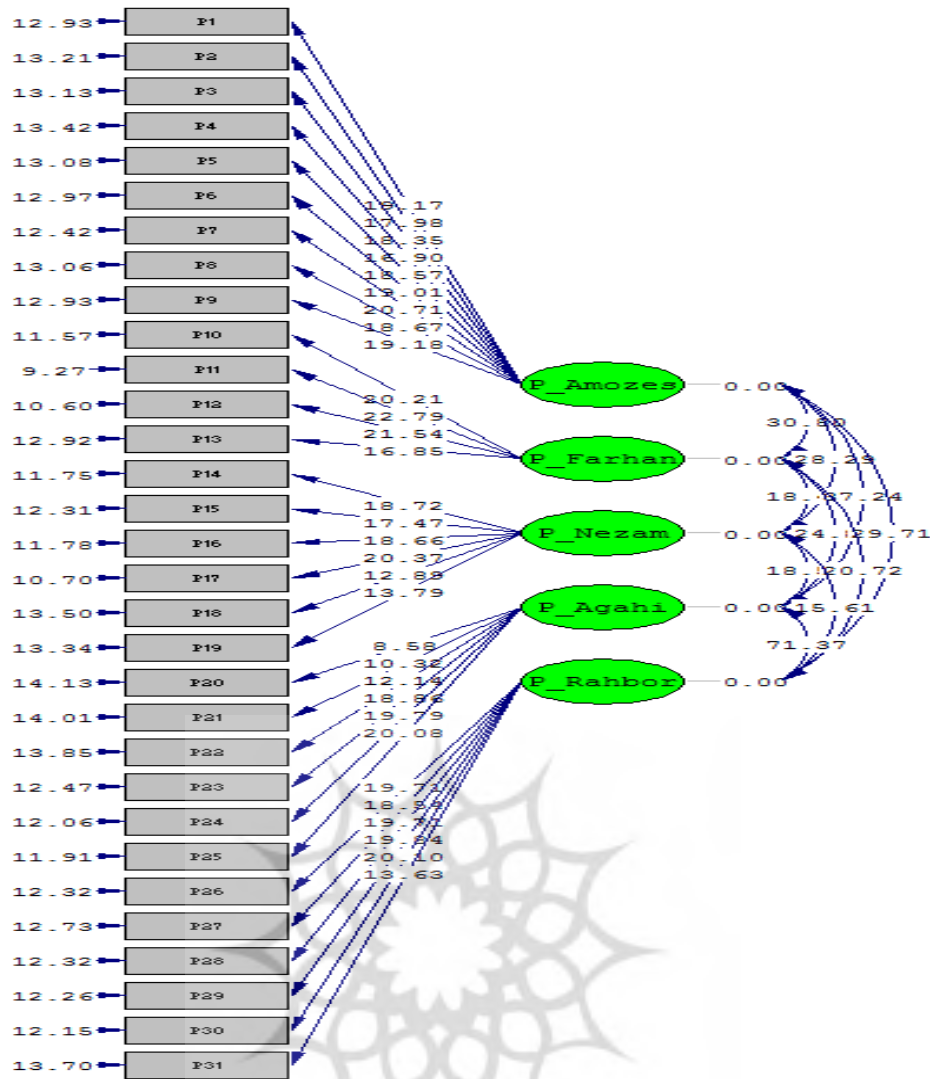
CFI	AGFI	GFI	RMSEA	شاخص‌های برازش
۰/۹۸	۰/۹۵	۰/۹۷	۰/۰۶	مقدار محاسبه‌شده
۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۰۸	مقدار قابل قبول
رد نشد	رد نشد	رد نشد	رد نشد	نتیجه

نتایج شاخص‌های برازندگی حاکی از برازش مناسب مدل پیامدهای حاصل از مدرسه تراز با رویکرد سند تحول بنیادین بود (جدول ۳). مدل پیامدهای حاصل از مدرسه تراز با رویکرد سند تحول بنیادین در حالت ضرایب استاندارد و در حالت آزمون تی در شکل‌های ۱ و ۲ ارائه شد.



Chi-Square=998.99, df=424, P-value=0.05482, RMSEA=0.063

شکل ۱. مدل پیامدهای حاصل از مدرسه تراز با رویکرد سند تحول بنیادین در حالت ضرایب استاندارد



Chi-Square=998.99, df=424, P-value=0.05482, RMSEA=0.063

شکل ۲. مدل پیامدهای حاصل از مدرسه تراز با رویکرد سند تحول بنیادین در حالت آزمون تی

نتایج حاکی از بار عاملی مناسب گویه‌ها بر هر یک از پنج مولفه آموزش موثر، فرهنگ کارآمد، نظام پایش، آگاهی و راهبردهای یادگیری و مقدار تی بزرگ‌تر از ۱/۹۶ و معناداری همه آنها بود ($P < 0.05$) (شکل‌های ۱ و ۲).

بحث و نتیجه‌گیری

نظام آموزش و پرورش همواره برای ارتقای سطح کیفیت خود به اسناد بالادستی متصل شده است و در تمام فرایندها از این اسناد کمک گرفته شده است. مدرسه به‌عنوان کانون تربیت و محیط یادگیری رسمی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مورد توجه است و به ارائه توضیحاتی مبسوط تحلیل محتوای اسنادی تحلیل به بررسی مفهوم مدرسه در افق ۱۴۰۴ در سند تحول بنیادین پرداخته شده است. سند تحول بنیادین سند جامعی است که نقشه راهی برای نظام آموزش و پرورش کشور محسوب می‌شود. بنابراین، با توجه به اهمیت این سند در پژوهش حاضر به بررسی این سند پرداخته شد و مدرسه مورد انتظار و در تراز این سند مورد پژوهش قرار گرفت. در نتیجه، هدف پژوهش حاضر بررسی پیامدهای حاصل از مدرسه تراز با رویکرد سند تحول بنیادین بود.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که پیامدهای حاصل از مدرسه تراز با رویکرد سند تحول بنیادین دارای ۳۱ شاخص در دو بعد مدرسه توانمندساز (با سه مولفه آموزش موثر، فرهنگ کارآمد و نظام پایش) و یادگیری خودراهبر (با دو مولفه آگاهی و راهبردهای یادگیری) بود. دیگر نتایج نشان داد که مدل برازش مناسبی داشت و بار عاملی همه گویه‌ها بالاتر از ۰/۴۰ و اثر آنها بر مولفه‌ها معنادار بود و آنها در دو بعد و پنج مولفه مذکور قرار گرفتند. پژوهش‌های بسیار اندکی در این زمینه انجام شده، اما نتایج

آن از جهاتی با نتایج پژوهش‌های قبلی همسو بود (Eslamieh et al, 2020؛ Ra'ouf Malaayeri et al, 2019؛ Hajiabayi, 2012 و Pahang et al, 2017).

در تشریح نتایج پژوهش حاضر مبنی بر دو بعد مدرسه توانمندساز و یادگیری خودراهبر که مدرسه توانمندساز شامل سه مولفه آموزش موثر، فرهنگ کارآمد و نظام پایش و یادگیری خودراهبر شامل دو مولفه آگاهی و راهبردهای یادگیری بود، می‌توان گفت آنچه مسلم است اینکه مدرسه تراز در سند تحول بنیادین تمام معیارهای یک مدرسه ایده‌آل را خواهد داشت. از این رو قدرت است به‌عنوان مکانی که افراد توانمند را آموزش و به جامعه معرفی کند در نظر گرفته می‌شود. در این مدرسه در ارائه مطالب درسی شفافیت وجود دارد و همه چیز بر پایه مشارکت اجتماعی شکل می‌گیرد. ایجاد دانش بومی، تسلط به فناوری‌های روز، مهارت‌محوری، تعهد و ارزیابی موثر از دیگر شاخص‌های آن است. در چنین مدرسه‌ای به ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی توجه ویژه‌ای می‌شود و همه ارکان آن به ارتقای فرهنگ مشارکت و پژوهش و ارزیابی بر اساس سند تحول و استانداردهای ملی اهمیت می‌دهند. در مدرسه تراز با رویکرد سند تحول بنیادین تأمین زیرساخت‌های آموزشی و فنی جزء اولویتهای مهم و اساسی است و دانش‌آموزان در چنین مدرسه‌ای به یادگیرندگانی خودراهبر تبدیل می‌شوند که خود مسئولیت یادگیری خویش را برعهده می‌گیرند. توجه به پرورش در کنار آموزش، شفافیت در ارائه مطالب، مشارکت اجتماعی، شناخت محیطی، ایجاد دانش بومی، تسلط بر فناوری‌ها، مهارت‌محوری، تعهد، ارزیابی موثر، توجه به ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، پاسداشت نظام خانواده به‌عنوان نهادی اجتماعی، ارتقای فرهنگ مشارکت و پژوهش، کنترل مداوم، ارزیابی بر اساس سند تحول و استانداردهای ملی و عملکرد، پایش بر مبنای فناوری اطلاعات و تأمین زیرساخت‌های آموزشی و فنی از شاخص‌های مهم مدرسه توانمندساز و توانایی تشخیص نیاز آموزشی، توانایی شناخت، توانایی فرآیند، اطلاع از نظام و محیط آموزشی و کارکردهای سند تحول بنیادین، توجه به روش‌های نوین یادگیری، خلق روش‌های یادگیری بر اساس دانش بومی، نوآوری در روش‌های تدریس، استفاده از یادگیری مشارکتی و بهره‌گیری از فناوری‌ها در یادگیری و پذیرش مسئولیت یادگیری از شاخص‌های مهم یادگیری خودراهبر می‌باشند.

حجم نمونه در هر دو بخش کیفی و کمی اندک و جامعه پژوهش به شهر تهران و سند تحول بنیادین محدود شد. بنابراین، افزایش حجم نمونه در هر دو بخش کیفی و کمی و انجام پژوهش بر روی سایر شهرها و استان‌ها و حتی سایر سندها مانند سند برنامه‌درسی ملی و غیره ضروری است. پژوهش حاضر بر روی سازمان آموزش و پرورش انجام شد، لذا پیشنهاد می‌شود که پژوهش حاضر بر روی سایر سازمان‌های آموزشی اعم از دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی انجام و نتایج آنها با نتایج پژوهش حاضر مورد مقایسه قرار گیرد. در پژوهش حاضر نقش متغیرهای تعدیل‌کننده مانند جنسیت، تحصیلات و باورهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بررسی نشد، لذا توجه به متغیرهای تعدیل‌کننده در پژوهش‌های آتی و کنترل اثر آنها بر نتایج به نظر ضروری می‌رسد. با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهادهای زیر برای مدیران، مسئولان، برنامه‌ریزان و استفاده‌کنندگان از نتایج فعالیت‌های پژوهشی ارائه می‌شود. میزان توانمندسازی مدرسه‌ها از نظر آموزش موثر، فرهنگ کارآمد و نظام پایش بررسی و جهت بهبود و ارتقای آنها برنامه‌های منظم و منسجمی طراحی شود. میزان یادگیری خودراهبر دانش‌آموزان از نظر آگاهی و راهبردهای یادگیری ارزیابی و به آنان بازخورد اصلاحی و سازنده داده شود. برای بهبود توانمندسازی مدرسه‌ها، جلسات، گردهم‌آیی‌ها و همایش‌ها و سمینارهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مختلف برگزار گردد. برای افزایش و تقویت یادگیری خودراهبر دانش‌آموزان از جلسات و کارگاه‌های گروهی استفاده شود. برای بهبود و تقویت مدرسه تراز با رویکرد سند تحول بنیادین، علاوه بر بهبود ابعاد و مولفه‌ها به نقش شاخص‌ها نیز توجه شود که از شاخص‌های بسیار مهم و موثر در مدرسه تراز می‌توان به شناخت نقاط قوت و ضعف خود، مسئولیت‌پذیری، استفاده از روش‌های آموزشی موثر و احترام به فرهنگ‌های مختلف و ارزیابی خود و دیگران اشاره کرد که ایجاد زمینه و فراهم کردن بستر مناسب برای آنها بسیار مهم است.

تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر به دلیل داشتن دو بخش کیفی و کمی پژوهشی زمان‌بر، پرهزینه و طاقت‌فرسا بود که با هزینه شخصی انجام شد و در همین جا از نمونه‌های هر دو بخش کیفی و کمی به دلیل قبول زحمت جهت شرکت در پژوهش و همکاری مناسب تشکر می‌شود.

References

- Bano M, Zowghi D, Kearney M, et al. (2018). Mobile learning for science and mathematics school education: A systematic review of empirical evidence. *Computers & Education*, 121: 30-58.
- Baradaran M, Sadat Nayeripour Z. (2020). Saleh school, center for the existence of Hayat Tayyeb, with an emphasis on the local community. *Biannual Journal of Islamic Perspective on Educational Science*, 8(14): 5-25.
- Bazrafshan Moghadam M, Shoghi M, Rahmankhah R. (2016). The place of educational supervision in the fundamental reform document of education (FRDE) in the Islamic republic of Iran. *Journal of Foundations of Education*, 5(2): 23-43.
- Cheng ALF, Yau HK. (2011). Principals' and teachers' perceptions of quality management in Hong Kong primary schools. *Quality Assurance in Education*, 19(2): 170-186.
- Corral-Abos A, Aibar A, Estrada-Tenorio S, et al. (2021). Implications of school type for active commuting to school in primary education students. *Travel Behaviour and Society*, 24: 143-151.
- Eslamieh F, Oladian M, Safari M. (2019). Conceptual design of green schools in Iran. *Journal of School Administration*, 7(2): 60-81.
- Goel S, Husain Z. (2018). Gender, caste, and education in India: A cohort-wise study of drop-out from schools. *Research in Social Stratification and Mobility*, 58: 54-68.
- Guerra PH, Da Silveira JAC, Salvador EP. (2016). Physical activity and nutrition education at the school environment aimed at preventing childhood obesity: evidence from systematic reviews. *Jorna de Pediatria*, 92(1): 15-23.
- Hajibabayi H. (2012). A study on the characteristics of "the school which I like" according to the document on fundamental development in education. *Quarterly Journal of Educational Innovation*, 11(2): 51-74.
- Mahdavi Hezaveh M, Maleki H, Mehrmohammadi M, Abbaspour A. (2017). Design of curriculum model for elementary teacher education: In line with the fundamental reform document of education. *Quarterly Journal of Teacher Education*, 1(1): 47-74.
- Mohammadi A, Zolfaghari Zafarani R, Navidadehm M, Torani H. (2020). Identifying factors contributing to competency based appointment of principals in compliance with the clause "guidance and management. *Journal of School Administration*, 8(2): 218-245.
- Pahang N, Mahdioun R, Yarigholi B. (2017). Investigating the quality of schools and identifying related affecting factors: A mixed method research. *Journal of School Administration*, 5(1): 173-193.
- Ra'ouf Malaayeri M, Beheshti S, Eskandari H, Abbaaspoor A. (2019). A model for the competencies to be expected from the female students of Tehran's Islamic high schools. *Quarterly Journal of Education*, 35(3): 79-100.
- Tokarev A, Skobelin I, Tolstov M, et al. (2021). Development of VR educational instruments for school pre-professional education in a research university. *Procedia Computer Science*, 190: 750-754.

Investigating the Consequences of Alignment School with the Approach of the Fundamental Transformation Document

Mahboubeh Sobhani¹
Hassan Shahrakipour²
Asghar Sharifi³

Abstract

Purpose: Alignment school can play an effective role in the effectiveness of the education system and the growth and development of society. As a result, the aim of present study was investigate the consequences of alignment school with the approach of fundamental transformation document.

Methodology: The present study was a combination (qualitative and quantitative). The community in the qualitative section was principals, officials and experts in education and leading schools such as Saleh, Pajuhesh and Sabz in Tehran city, which according to the principle of theoretical saturation 20 people were selected by purposive sampling method as a sample. The community in the quantitative section was principals and deputies of high schools in Tehran city in the academic years 2020-21, which according to the Cochran's formula 291 people were selected by multistep cluster sampling method as a sample. The research instrument in the qualitative section was a semi-structured interview, which its validity was confirmed by the triangulation method and its reliability was obtained by the agreement coefficient method between the two coders 0.86. Also, the research instrument in the quantitative section was a researcher-made questionnaire, which its content validity was confirmed by experts opinion and its reliability was obtained by Cronbach's alpha method 0.97. Data were analyzed by methods of coding in MAXQDA software and exploratory factor analysis in SPSS software.

Findings: The results of coding showed that the consequences of alignment school with the approach of fundamental transformation document had 31 indicators in two dimensions of empowering school (with three components of effective education, efficient culture and monitoring system) and self-directed learning (with two components of awareness and learning strategies). Also, the results of exploratory factor analysis indicated a factor load higher than 0.40 for all items and the existence of mentioned two dimensions and five components. In addition, the model had a good fit and all items have significant effect on related components ($P < 0.05$).

Conclusion: According to the obtained results, in order to improve the condition of schools and to promote the alignment schools, it is possible to take action by improving the empowering school and self-directed learning according to the identified components for them.

Keywords: Alignment school, fundamental transformation document, empowering school, self-directed learning

¹ PhD Student in Educational Management, Roodehen Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
M.3obhan@gmail.com

² Associate Professor of Educational Management, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Counseling, Roodehen Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
Dr.sahraki@yahoo.com

³ Assistant Professor, Department of Educational Management, Roodehen Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Sharifei@gmail.com